

هفته‌ای که گذشت

آرامش سیاسی در آخرین هفته سال

با نزدیک شدن به روزهای پایانی سال، آرامش نسبی بر فضای سیاسی حاکم شده است که دو فاکتور در این آرامش دست دارند. نخست این که مردم به شدت مشغول آماده شدن برای مراسم عید هستند و زیاد وقتی برای دنبال کردن قضایای قضایی سیاسی ندارند و دوم این که دستگاههای حکومتی نیز در یک دوره فشرده کارهای زیادی پیش رو دارند. مجلسی این روزها به شدت مشغول تدوین و تصویب برنامه بودجه است نمایندگان تا دیروقت در خانه ملت نشسته و کاری کنند.

گذران نیز درگیر سسابها و گشایش بودجه های تازه برای سال آینده است. فضای انتخاباتی هم به نسبت آرام است و اتفاق ویژه ای این روزها رخ نداده و به نظر نمی رسد که اتفاق چشمگیری نیز در این هفته مانده به پایان سال رخ دهد.

تختها از گاندیداهای ریاست جمهوری تأسیس وب سایت های گاندیداهاست که در نوع خود جالب است و برای نخستین بار تقریباً تمامی گاندیداهای صاحب وب سایت انتخاباتی هستند و این نشان می دهد که فاکتور مدرن دیگری به دنیای رقابت سیاسی وارد شده است.

مهرعلیزاده، معین، کریمی و ولائی و لاریجانی همگی صاحب وب سایت شده اند که البته گفتنی است خیلی هم کاراکتر ارتباطی ندارد و بیشتر به مانند یک گاهنامه اینترنتی است.

بیشتر سایت ها بخش پرسش و پاسخ ندارند که اصلی ترین جزئیات خبری از این سایتها و یا اگر هم دارد درست کار نمی کند.

به هر حال حضور تصمیمی وب سایت هم در انتخابات خوب است. حداقل رئیس جمهور آینده از حالا فضای اینترنت آشناست و تأثیر آن را می داند. اما رئیس جمهوری ایران هفته گذشته راهی سفر به اروپا و منطقه بالکان شد و از بوسنی بازدید کرد.

خاتمی در روزهای پایانی دولت خود مصمم است که سیاست مصالحه خود را عملی کند و با مذاکره سعی می کند به همه بقبولاند که ایران کشوری اهل مذاکره و علاقه مند به ارتباط بین المللی است.

این مسأله از زمان بحث پرونده هسته ای ایران حساس تر شده و کشورهایی که به فعالیت هسته ای ایران ظنین هستند سیمایشی زیادی در جامعه آنگونه که خود می خواهند تعریف کنند به ایران کشور قابل اعتمادی نیست که البته این بحث محل اجماع نیست و هنوز مخالفت های زیادی با آن وجود دارد.

در همین اثنای سفر خاتمی بود که آلمان فرانسه بار دیگر اعلام کردند که به مذاکرات ادامه می دهند. این موضوع پیش می هفتند و به مذاکرات ادامه می دهند.

ضمن این که در هفته ای که پشت سر گذاشتیم کنفرانس بین المللی توسعه هسته ای نیز در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شد. دست اندرکاران این توسعه هسته ای از برخی محافظان شاخص بین المللی در این کنفرانس حاضر شده و به ایام مختلف پرونده هسته ای ایران اشاره کردند.

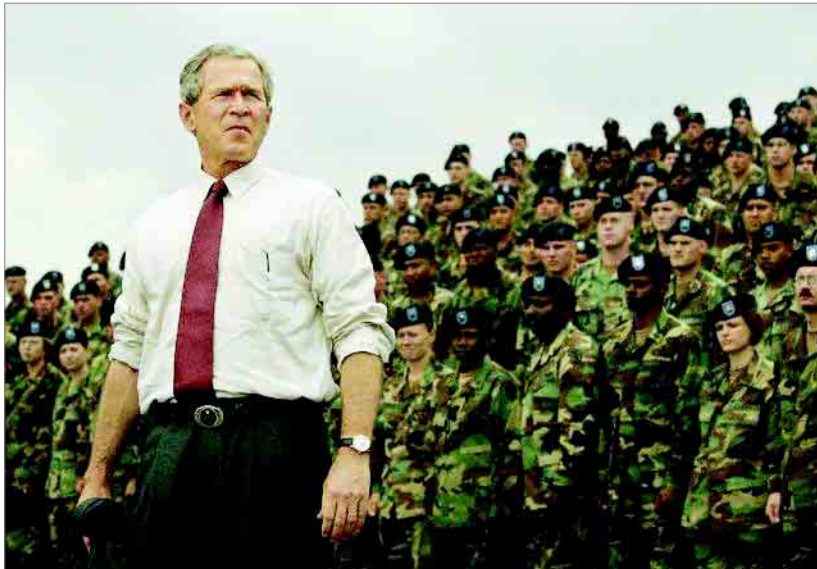
در روز نخست حسن روحانی پیش شورای عالی امنیت ملی ایران و مسوول مذاکرات هسته ای اینتر پس از ایران دستگورانی در کنفرانس مطبوعاتی نیز شرکت کرد و به پرسش های خبرنگاران پاسخ گفت.

دکتر روحانی به طور مستقیم اشاره کرد که بحث توقف غنی سازی و چرخه سوخت در هیچ کجای توافق نامه پاریس و آخرین قطعنامه شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی نیامده و اگر اروپا خواهان توقف است. ایران از همین حالا مذاکرات را قطع خواهد کرد. قاطعیت نهفته در این موضعگیری نشان داد که روحانی به ایران آغاز شده و خیلی طبیعی است که قضیه ندارد و اگر ایران قصد تعطیل چرخه سوخت را داشت که پایه مذاکرات با اروپا نمی گذارند.

همچنین اروپایی ها در هفته های اخیر بحث پرونده هسته ای را به سازمان تجارت جهانی یا مطرح کردند یعنی دانشند اینکه تلفی کند که اعطای تشویق ها به ایران آغاز شده و خیلی طبیعی است که در دنبال تشویق های چنین کوچک و بیش از اندازه ای نبوده که بخواهد بحث با آغوش باز آنگوش به فرمان اروپایی ها باشد.

همانگونه که اروپایی پیش از این تأکید زیادی بر تفاهاتنامه پاریس داشت، این بار ایران تأکید دارد که اروپا از محدوده تفاهاتنامه پاریس خارج نشود. تأکید روسی روحانی نشان داد که بحث توقف غنی سازی و چرخه سوخت واقعی و اصلی ایران است که بر سر آن است. معامله نمی شود بلکه تمام این مذاکرات برای رسیدن به یک نقطه محکم و انکارناپذیر است. این یک نقطه محکم است که نتگزاریم های غرب را از بی ثباتی فعالیتها از صلیح ملی ایران از بین برده و نشان دهد که این فعالیتها با همکاری از محدوده صلح بیرون نرفته و جهت نظامی نخواهد داشت.

حالا این اروپایی ها هستند که باید یک بار دیگر نشسته و تصمیم بگیرند که چند روز این مذاکرات جدی هستند. به نظر نمی رسد تا زمان انتخابات ریاست جمهوری ایران اتفاقی ویژه در این میان رخ دهد اما برای بار دیگر اعلام کرد که در مذاکرات جدی است و از منافع مشروع خود عقب نمی نشیند.



اشاره: «مطلب صفحه سیاست این هفته، مقاله ای است به قلم یکی از نظامیان از تش آمریکا که به روشنی زوایای متفاوتی از مشکلات و پیچیدگی های حضور نظامی تنها ابر قدرت امروز جهان را مورد بررسی می قرار داده است. خواندن چنین مقالاتی که یک پدیده را نسبتاً از درون بررسی می کنند به شناخت بهتر و بیشتر جبهه های گشوده شده در پیرامون منطقه ما کمک خواهند کرد، اگر چه به قلم نظامیان جنگ سالار تحریر شده باشد.»

تغییرات در ارتش آمریکا پس از حضور در خاورمیانه

نویسنده: کیت مایرز مترجم: فرزانه صالحی

دو تغییر مهم در ارتش ایالات متحده، از زمان پایان جنگ سرد به وجود آمده است. اولین تغییر که در فاصله سالهای ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۰ میلادی رخ داد، به کاهش نیروها مربوط می شد به طوری که ۱۸ لشکر ارتش به ۱۰ لشکر رسید و تعداد دو میلیون پرسنل به ۱/۴ میلیون کاهش یافت. تجهیزات، تاکتیکها و دکترین آن نیز تا حد زیادی به حال مدرن درآمده بود اما در نهایت با نسخه کوچک شده ای از نیروهای جنگ سرد مواجه بودیم. دومین تغییر در فاصله سالهای ۲۰۰۰ تا کنون رخ داده است. از همین نیروهای کاهش یافته، استفاده شده است و تمرکز بر فناوریهای جدید و مدیریت نو توانسته است کاری این نیروها را به طور قابل توجهی افزایش دهد. اما وجود آنکه کوچک کردن ایامد نیروهای نظامی، واکنش اجتناب ناپذیر نسبت به نابودی تهدیدات دوران جنگ سرد بود و عملاً به تلاش طبیعی برای بهبود بخشیدن و مدرنیزه کردن نیروها تبدیل شده بود، اما نتیجه نهایی آن فاجعه بار بود. نیروهای فعلی آمریکا برای مقابله با تهدیدات علیه آمریکا بسیار کم هستند و افزایش آنها در آینده نیز آسیب پذیری بیشتری برای آنها به همراه خواهد داشت. به طور خلاصه، آمریکا جنگی را که نیاز به ۱۶ لشکر نیرو دارد با ۱۰ لشکر انجام داده است. پاول حق داشت، اما باید نیروهای زمینی بیشتری را به کار بگیریم.»

عراق، نمونه کامل آسیب و زیان نمونه کامل مشکلات ما که بر اثر عدم تلاشمان برای افزایش نیروهای نظامی در زمان از حوادث ۱۱ سپتامبر ایجاد شده است، در عراق، افغانستان و در جریان مبارزه با آنها دیده شد، اما در نظر ما در آن دوره نماند.

من هفت ماه در استان اربیل عراق بودم و نتیجه کاهش نیروها را احساس کردم. کم اهمیت شرمش این مسأله، خطر بزرگی است و جدا پدید آن را مورد بازرسی قرار دهم. آنچه به تعداد بیشتر نیروهای آمریکایی در عراق می توانست انجام دهد، شاید به نفع عراق کمک بیشتری می کرد.

در ابتدا، نیروهای بیشتر می توانستند از غارت و شورش که بلافاصله پس از حمله نیروهای انتقالی به عراق بود و جلوگیری کنند. نبود نیروی جایگزین برای حل مشکل پلیس و نیروهای امنیتی عراق موجب شده بود خلا امنیتی در این کشور به وجود آید که جریان اشغال عراق را بسیار بدنام کرد و مشکلات بسیاری نیز به وجود آورد. پنجره فرصتی نیز برای شورشهای عراقی باز شد که دیگر بستن کامل آن، امکانپذیر نبود.

در محل، مردم مرزاها عملاً بدون بازرسی و بدون ایجاد شرایط لازم برای شرکت در طیفه داشت که کل استان را پوشش دهد و بارها این مسأله مطرح شده بود که آنها برای کمک یک جنگ از نیروهای سواره نظام مستقر بود یعنی حدود ده هزار نیرو در فاصله زمانی ماه تا سپتامبر ۲۰۰۴ در آنجا مستقر شده بود.

این واحد، خوب عمل کرد اما مهارتی نمی تواند کمبود نیروی انسانی را جبران کند و مرزهای استان، عملاً چندان تحت حفاظت نبودند. افزایش تعداد نیروهای منطقه در پاییز سال ۲۰۰۴ تا حدی برای حل این مشکل مفید واقع شد اما هنوز هم برای رسیدگی به شرایط این استان کافی نبود.

نیروهای آمریکایی به وجود آورد. در افغانستان هم کمبودنیروهایکی از مشکلات پیش رو بود. تعداد نیروها برای پیروز در جنگ علیه طالبان کافی بود اما برای بیروزی در عراق و بر آوردن انتظارات در آن زمان کافی نمی کرد. بهترین نتیجه های گشوده شده در پیرامون منطقه ما کمک خواهند کرد، اگر چه به قلم نظامیان جنگ سالار تحریر شده باشد.»

ما موقعیتهای زیادی را از دست دادیم. مناسبات مایه متحدان سنتی ما در سالهای اخیر با موانع زیادی مواجه بوده و تلاش ما برای رفع این مشکلات تا کام مانده است. این عرصه برای ما یک تهدید است. اگر تهدیدات کنونی را با تهدیدات دوران جنگ سرد مقایسه کنیم، تفاوت زیادی بین آنها خواهیم دید.

تهدیداتی که از زمان حوادث ۱۱ سپتامبر مورد بررسی قرار گرفته اند موجب شدند که آمریکا سیاستهای سخت گیرانه ای را در سطح جهان و نیز در داخل به کار گیرد بتواند فعالیت احتمالی تروریستها را پیش از اجرای عملیات توسط آنها شناسایی و خنثی کند. این روش به کارگیری چندین عملیات مختلف به روشهای متفاوت را شامل می شود که از جمله آنها می توان به تقویت روابط با متحدان قدیمی و ایجاد روابط خوب با کشورهای دیگر برای ترکیب آنها به حمایت از سیاستهای آمریکا اشاره کرد.

در این میان، سیاستهای جدید نیز تعمیم نمانده است و دولتمردان آمریکایی این سیاست را نیز به اهداف دیگری به کار گرفته اند که شاید واکنش مثبتی نیز در پی نداشته باشند. مفهوم حمله پیشگیرانه که از سوی آمریکا مورد توجه قرار گرفته است انتقادهای زیادی را در پی داشته است و افکار عمومی جهان می گویند گرفتاری آمریکا در عراق و افغانستان، اقتدر زیاد شده که واشنگتن نتایج باید به دنبال راهی برای بیرون آمدن از این باتلاق باشد.

حالا کدام رویه را می توان درست دانست؟ برخی معتقدند افزایش نیروهای نظامی آمریکا باید از سوی برنامه ریزان جنگی مورد توجه باشد نه از سوی دیپلماتها. اما دامنه این روند فعلی با همین نیروهای سیاستها، گرفتاری آمریکا در عراق را بسیار پیچیده تر خواهد کرد.

مسئله مهم این است که واشنگتن نتایج باید به دنبال راهی برای بیرون آمدن از این باتلاق باشد. حالا کدام رویه را می توان درست دانست؟ برخی معتقدند افزایش نیروهای نظامی آمریکا باید از سوی برنامه ریزان جنگی مورد توجه باشد نه از سوی دیپلماتها. اما دامنه این روند فعلی با همین نیروهای سیاستها، گرفتاری آمریکا در عراق را بسیار پیچیده تر خواهد کرد.

مسئله مهم این است که واشنگتن نتایج باید به دنبال راهی برای بیرون آمدن از این باتلاق باشد. حالا کدام رویه را می توان درست دانست؟ برخی معتقدند افزایش نیروهای نظامی آمریکا باید از سوی برنامه ریزان جنگی مورد توجه باشد نه از سوی دیپلماتها. اما دامنه این روند فعلی با همین نیروهای سیاستها، گرفتاری آمریکا در عراق را بسیار پیچیده تر خواهد کرد.

بازشنه ارتش آمریکا که در عراق و افغانستان نیز حضور داشته است. مشکل ما در عراق را بسیار پیچیده تر خواهد کرد. مشکل ما در عراق را بسیار پیچیده تر خواهد کرد. مشکل ما در عراق را بسیار پیچیده تر خواهد کرد.

یادداشت

دستاوردهای بوش از اروپا

کامیون توانا بوش راهی اروپا شد تا با کسانی که دو سال قبل وزیر دفاع خودش آنها را کهنه و قدیمی دانسته بود، صحبت و گفت و گو کند و بفهمد که چقدر امکان دارد که فضا عوض شود. بوشین پس از دیدار با بوش و در حالی که از او پرسیدند نظر او درباره حرفها و سخنان بوش چیست، پاسخ داد: «به برخی از آنها توجه می کنم و به برخی دیگر...» بوشین از جواب دادن به اینکه موضوع او درباره همه دیگر سخنان بوش چیست چیزی نگفت و اظهار نظر نکرد که میباید مواجعی در پی داشته باشد. مهمترین موضوعی که بوش مجبور شد به بوش مطرح کند، ایران و کره شمالی و چین بود. روسیه هر چند بارها اعلام کرده که سیاست کره شمالی کاری ندارد اما در پشت پرده، اصلی ترین تهدید و پشتیبان کیم جونگ ایل آتمی است. کره شمالی از گروهبانهای کور سیاست خارجی دولت بوش است و پس از چند سال صحبت از تغییر رژیم و حمله به کره شمالی حالا وارد گفت و گوهایی شش جانبه شده که تا به حال نیز نتیجه ای از آن حاصل نشده است. بوش از بوشین خواست که در مورد کره شمالی کمی مدارا کند که جواب بوشین خیلی امیدبخش نبود. در مورد ایران هم بوشین اصلاً کنار نیامد که یعنی تا رگی با دبیر شورای عالی امنیت ملی صحبت کرده و اعلام کرده بود که فعالیتهای هسته ای ایران صلح آمیز است و موضع بوشین در مورد فعالیت های هسته ای ایران بسیار مهم است چرا که اگر ایران به سمت فعالیت هسته ای نظامی رود، بزرگترین مشکل برای روسیه رخ می دهد و آنها حتی از آژانس بیشتر دقت می کنند که چنین اتفاقی نیفتد و از آنجا که ایران چندین برنامه ای ندارد، خیال روسیه که راحت باشد، بسیاری از مسائل بهتر حل می شود. بوش تنوانست درباره ایران و سوریه نتیجه خوبی از بوشین بگیرد و پیش بینی های حاکی از این است که یک خزان طولانی در روابط آمریکا و روسیه در پیش است. اما مهمترین سفر بوش به آلمان و دیدار با گرهارد شرودر، صدراعظم آلمان و مخالف جدی جنگ عراق بود. هر چند آن دو گفت و گوهی خوب و گرمی با هم داشتند اما دست آخر باز آلمان تأکید کرد که هیچ نیرویی به عراق اعزام نمی کند هر چند در بازسازی مشارکت کند. بوش خواهان داشتن و این جواب مورد علاقه بوش نبود اما به هر حال همین قدر که سطح روابط بین آن دو از حالت قبلی خارج شد، برای بوش امتیاز محسوب می شد. آلمان و فرانسه در جنگ عراق دست آمریکا را خالی گذاشتند و بوش این بار راهی این دو کشور شد تا ببیند اوضاع چقدر قابل تغییر است. آمریکا با آلمان و فرانسه هنوز بر سر عراق به تفاهم نهایی نرسیده و مشکلات اصلی به قوت خود باقی است.

مشکل بوش با فرانسه به قدری جدی بود که حتی مطبوعات مطرح آمریکا مانند روزنامه نیویورک کامیونست در یک مقطع فرانسه را دشمن خوانده و خطراتی که از گروهبان تروریستی دانستند. بوش در یک زمینه تنوانست دستاوردهای از اروپا کسب کند، او از بحث روند مذاکرات صلح خاورمیانه بود. هم آلمان و هم فرانسه با نقشه راه ملوک بود و به مذاکرات صلح استعجاب می کنند. انگلیس هم که هفته گذشته کمتر اسفلیتر را برقرار کرد تا بودجه لازم برای تکمیل عباس از راه کند که نتیجه موفقیت آمیز نیز به همراه داشت. همین نکته برای بوش بسیار ارزشمند بود که حداقل برای مذاکرات صلح خاورمیانه بتوانند اتحاد اکثریت اروپا را با خود تأیید کنند و برنامه های هرمان بزرگ اروپا بر این نکته استوار کردند. اما در آلمان عدم همکاری در خصوص عراق و در فرانسه بحث ایران و در هر دو کشور بحث تفاهم مناسبی در پی نداشت. اروپا در پی راهی نو ترمیم سیاستهای خود است که آمریکا اصلاً از آن راضی نیست و به شدت با آن مخالفت کرده و این عمل اروپا را اشتباه می خواند. اما گویا اروپا تصمیم خود را گرفته و به زودی تحریم تسلیحاتی چین را لغو می کند و چون به هتت سال پیش که هرچه اروپا سعی می کرد تصادمی آمریکا را دفع کند، این اتفاق افتاد. بوش در کنار این از چین شراک و دوستی است که نیابت آمریکا موجب ایران و چین باشد اما شراک اروپا در این طور که جواب داد آن طور که خود بخواهد پیش می رود و نه آن طور که آمریکا می خواهد و بویژه در خصوص ایران بوش است بوش لاجباً تا کنار گذاشته و به تصمیم اروپا اجتناب نرنگد که بوش سران کار داد و از آن گذشت. به هر حال روابط بین شراک و بوش خیلی بهتر از دو سال پیش است اما در مقایسه با آن می توان گفت که چندین ساله اختلافات طولانی نبود و خلاصه هم آلمان کرد. داره که باید با ایران مذاکره کرد که در مقایسه با روسیه، می توان این گونه ارزیابی کرد که در مقایسه با روسیه، آلمان و فرانسه بهتر با او کنار آمدند اما بوشین بر سر راهی اصلی را بدون جواب برای بوش باقی گذاشت.

